

١٨ ع

١٨/ع



بنیاد محقق طباطبائی
نسخه عکسی ع/١٨

۱۸/۶

بسمه تعالی

حضور انور حضرت حجه الاسلام والمسلمین جناب
آقای حاج سید محمد علی روضاتی دامت برکاته

پس از تقدیم سلام از خداوند بزرگ موفقیت جناب عالی را خواهانم و اگر از روی الطاف و
مرحمت خواهان اطلاع از وضع دوستان باشید بحمد الله همگی سالم و دعاگوی وجود
مبارک هستند.

حسب المعمول نامه‌ای که یکی از خوانندگان مانوشته است حضور عالی ارسال میشود
لطفا پاسخ آنرا باز کردارک مرقوم فرمائید در پایان بقاء عمر و سعادت آنجناب را
خواهانیم

باتقدیم احترام

جعفر سبحانی



بنیاد محقق طباطبائی

نامه آقای دکتر فضلعلی شوشی محبت‌محبان المهدی دعای میل بنیستانی [تهران] بهنگاه
بهمن غربی بلوک ۲۳۵ [اصفیه] بود که در خصوص مزار امامزاده داود تهران سوال کرده بود
و اینجانب رساله در این باب تألیف و بوسیله پست بنیستان مکتب اسلام فرستادم و چند نسخه تصویری هم
از آن رساله تهیه کردم برای دیگر طالبان تبایخ عنده حج ۱۳۹۳ مطابق ۱۳۳۳ شمسی ۱۳۵۲

بعد حمد الصلوة، کمی از فضلاء اعداء رسوال کرده اند انکه مؤلف کتاب نفیس «روضه الامثال»
 فی جمع الأمثال القرآنیة و تفاسیرها و ما یتعلق بها، طبع سنگی ۱۲۲۴ ق « در صفحہ ۲۲۳
 گوید: «قال جدی علامہ المجلسی [کذا و الصواب العلامہ المجلسی] نوراً ضریحہ فی
 شرح الجامعة» الخ، آیات ان^(۱) یا خاندان علامہ مجلسی چه نسبتی داشتہ اند؟

پاسخ اینست کہ: این کلام از خود مرحوم کوزکنانی مؤلف «روضه الامثال» نسبت و درجائی
 ریدہ و شنیدہ شدہ است کہ آن مرحوم را با خاندان علامہ مجلسی پیوندی باشد، بلکه با ملحقہ
 بضعات قبل و بعد موضع مذکور معلوم میشود کہ این عبارت رسالہ «تفسیر آیہ النور» مرحوم
 آقا شیخ ہادی بن محمد امین طهرانی کتبی^(۲) است کہ اصل این تفسیر سال ۱۲۱۹ قمری طبعی ۱۵۲ صفحہ
 کرچک دطهران چاپ سنگی شدہ است و این کلام در صفحہ ۲۵ بہمان رسالہ موجود است، و مرحوم
 کوزہ کنانی چون این رسالہ را دیدہ و پسندیدہ عیناً تمام آنرا در کتاب مذکور خود (از صفحہ ۲۲۱ تا
 ۲۳۵) نقل نموده و با انکہ در مقدمہ^(۳) که قبل از نقل رسالہ نوشته و مدح و تعریف بسیار از مؤلف
 آن کردہ معذلت بلاحظہ تبتہ اسم صاحب آنرا نیاوردہ، و این است عین کلام آن مرحوم کہ مخض
 مزید فایده نقل می کنیم، قال فیما قال: «رأيت فيها رسالة لبعض فحول عصرنا الفائق
 في فنون العلم كلها على سائر العلماء في عصره وان أنزله الدهر حتى صار كالشمس وبراء
 الغيم ومع ذلك تحفياته مدخرة في صدور الأفاضل وجواهرها ودیعة في خزائن الرسائل»
 الخ، و ما یہ کمال تعجب و تحیر است کہ این آقا شیخ ہادی با آنہم کلمات و مقامات چگونہ در انظار
 موقبت مخصوصی یافتہ کہ حتی فاضل کوزکنانی ہم کہ تمام تفسیر آیہ النورش را در کتاب خود
 آورده و باعتبار آن افزوده است و ظاہراً آورده خصوصیتی ہم با وی داشتہ باز برای حفظ
 شنوات و رعایت ملاحظات از تصریح بنام آن مرحوم خودداری و در ربیع کردہ است، فاجتہد و با اولی

(۱) مؤلف کتاب روضہ مرحوم حاج ملا احمد بن عبد اللہ کوزہ کنانی تبریزی کتبی متوفای ربیع
 الاول ۱۳۲۷ در کاظمین و مدفون در کعبہ اشرف، از اعلاظم فقہاء محقق و منور العلمان خود بود.
 (۲) مرحوم حاج شیخ ہادی (یا محمد ہادی) طهرانی فقیہ محقق استاد نامدار، فرزند مرحوم آخوند
 ملا محمد امین از دعاظ محترم زمان در بکرہ طهران، کہ در بہمان شہر متولد شدہ و در شب ۴ شنبہ دم
 شوال المکرم ۱۳۲۱ در کعبہ اشرف دفات یافتہ است.

و اما اصل کلام مرحوم شیخ محمد ہادی در تفسیر آیہ النور این کہ نیست است: «قال جدی العلامہ
 المجلسی نوراً ضریحہ فی شرح الجامعة: المثل المتحركة [کذا و الصواب: متحركة] الخ
 و الحديث والصفة، والجمع: المثل لخصتين، و یکن قرائتہ بہما، فاتہم حجج الله [عالی و اعلاہم:
 روضہ] والمتصفون بصفات الله [تعالی. روضہ]، فہم صفۃ و صفاتہ علی المبالغة، و مثل
 الله ہم [تعالی لهم. روضہ] فی قولہ تعالی «الله نور السموات والأرض مثل نوره كمشكاة»
 كما روی فی الاخبار الكثيرة بل ادعی بعض اصحابنا الاجماع ایضاً انها نزلت فہم، انتہی». پس
 خود پیرو این نقل گفتہ است: «وهذا من غرائب الكلام فان النزول فہم لا
 يقتضي ان يكون المثل بهم بل صريح الاخبار انهم لهم فنظن» بایان کلام آقا شیخ ہادی.
 و مخفی نماند کہ مقصود آن مرحوم از «جدی العلامہ المجلسی» ہمانا مرحوم آخوند ملا محمد تقی
 مجلسی اول است نہ مجلسی دوم، زیرا اولی خود آقا شیخ ہادی در بحث تحریف از بحث حجت
 کتاب از ادلہ عقلیہ کتاب دیگرش «محجة العلامہ ص ۴۲ اطلسنگی ۱۳۱۸» در کمال وضوح نسبت
 خود را با مجلسین چنین وصف کردہ است کہ: «جدی و خالی المجلسیان» یعنی مجلسی
 جد و دوم خالی وی بودہ اند. و نیز در بہمان موضع و جیدہ بھائی آقا محمد باقر بن محمد احم
 (متولد ۱۱۱۱ ستونی ۱۲۰۵ ہر دو ضبط مرات الاحوال) را غموی خود نامیدہ گوید: «و غمی
 المجلد فی فوائده»، پس ناچار یکی از برادران و جیدہ مجدہ جدہ پوری یا مادری وی بودہ،
 و از اینجاست آقا شیخ ہادی با مجلسین آشکار می شود، و بنا بقول مرحوم آقا احمد بن آقا محمد علی
 ابن آقا محمد باقر و جیدہ بھائی برادران و جیدہ سن بودہ اند: آقا محمد حسین و آقا محمد علی و آقا
 حسن رضا، و مادر آنان دختر آقا نور الدین مازندرانی بودہ کہ پدرش مولانا محمد صالح معروف
 و مادرش آمنہ بیکم دختر مجلسی اول و خواہر مجلسی ثانی بودہ، و این است تمام آنچه تا بحال از انساب
 مرحوم آقا شیخ ہادی بخاندان و جیدہ خاندان مجلسی معلوم و بیش از این چیزی بدست نیامدہ.
 و ثانیاً این مطلبی کہ مرحوم شیخ از شرح اکبا جامعہ آورده عیناً از شرح زیارت جامعہ ستر
 کتاب «روضۃ المتقین» جلد ۵ ص ۳۶۲، تالیف مولانا محمد تقی مجلسی اول (متولد ۱۰۰۳ ستونی ۱۰۷۰)
 است و آنچه را کہ در تفسیر آیہ نور نقل کردہ تماماً در آنجا موجود است، و این کتاب عظیم القدر را
 چند سال اخیر بہمت جمعی از علماء اعلام قم و اہل خراسان طبع قرار گرفتہ و تا حال شش جلد آن بمنا
 واصل شدہ، جز اہم الله تعالی خیراً، و مخفی نماند کہ شرح زیارت جامعہ را بناید تالیف مستقل از مجلسی
 اول قدہ دانست کہ خصوص کہ یکبار دیگر نیز آنرا در «لوامع صاحبقرانی» یعنی شرح فارسی خود بر
 کتاب فقہیہ گزارش کردہ است، اگر چہ شیخنا العلامہ صاحب الذریعہ (ج ۱ ص ۳۰۵)
 استظهار کردہ اند کہ آن مرحوم شرحی مستقل بر زیارت جامعہ داشتہ باشد، اما این مجرد احتمالی
 بیش نیست چنانکہ خود نیز اعتراف نموده اند، و ہذا تمام الکلام والسلام. تبارخ ۲ قعدہ ۱۳۹۸
 سید محمد علی روحانی



این رساله را در دینیه را اینچنانچه پیش سال قبل با مختصار در پاسخ
 رفوہ علاء شہر حجتہ الاسلام و ملاذ المسلمین آقای حاج شیخ جعفر
 سبحانی تبریزی که سالهای ستادی است در مبدعہ طیبہ قم
 حوزه علمیه و عموم اہل ایمان را مستفیض فرمایند (ارام اللہ
 نایبہ) نگاشتنہ و در این ایام با تغیر آنے آنرا کامل تر
 نمودم و اللہ الموفق . ذی الحجہ ۹۸ . روحانی .

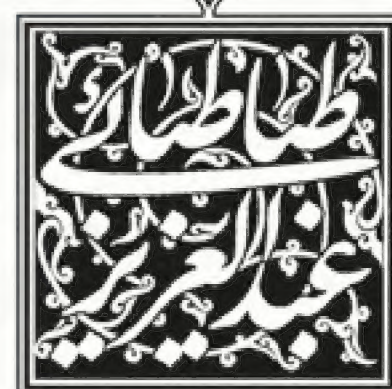
بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا محمد وعلتر الطیبین الطاہرین ولعنة اللہ علی اعدائہم اجمعین .
 بعد العزاد . در خصوص سؤالی کہ آقای اکبر فضلعلی راجع بہ امامزادہ داود کرد مانند بسیل التجمال خید سطرین مختصار

معروض می دارد .

این مزار مبارک در محلی بنام فوحزاد «چهار فرسنگ شمال طهران» واقع شدہ و شامل بر بقعہ دبارگانہ
 و از قدیم الایام مورد توجہ مردم مسلمان بودہ ، و با اینکه محل آن در میان کوستان صعب العبور است پیوستہ زیارتگانہ
 معمور و خواص و عوام بدان معتقد و در شدائد احوال از روح مطہر صاحب آن مزار استمداد و از خداوند متعالی
 قضای حاجت خود را در آن مکان شریف خواستاری شدہ اند . و شک نیست کہ تلاوت قرآن مجید و ادعیه و زیارات
 مأثورہ در اکنہ مقدسہ و مزارات انبیاء عظام و ائمتہ کرام و امام زادگان ذوی الاحترام و بعد از شایر علماء و صلحا
 بعزت تقرب آنان نزد پروردگار عالم و ابداء ثواب تلاوت بہ ارواح مطہرہ ایشان پس در خواست حوائج
 مشروعہ برکت آن اکنہ مقدسہ و ارواح مطہرہ مقرون بہ اجابت خالق منان خواهد گردید .
 و نیز شک نیست کہ امام زادگان و الامقام ہرچہ نسبتاً بائعہ الہما رعلیہم السلام نزدیکتر باشند در جہ
 احترام و عظمت آنان بیشتر خواہد بود ، کما قیل « تاریخ ہمین ص ۵۴ » :

ہر آنکس کہ جدش محمد (ص) بود چہان را از او عز سرمد بود
 اگر سازد از قدر انگشتی نگیش شاید مگر مشتری
 ولذا است کہ از همان زمان ائمہ اطہار کسانی در ثبت رصبط اسامی و شرح حالات امام زادگان کتابا
 تألیف نمودہ اند کہ غالباً بعد از آن کتب اسباب معروف گردیدہ و این قبیل کتب تا زمان حاضر در گوشہ و کنار چہان



بنیاد محقق طباطبائی

بارز و ظاهر بوده و هست . مع الأسف بسیاری از کتب قدیم نسب در اثر حوادث و بلا یا از بین رفته و جز اسمی از آنها در دست نیست و از باب مثال از تألیفات کثیره نفیسه مرحوم سید تاج الدین ابن معیبه (متوفی سال ۷۷۶ هجری) که یکی از بزرگترین کتابهای معتق و استاد صاحب عمده الطالب بوده حتی یک ورق در دست نیست و تماماً تلف شده و از بین رفته است . بعد از او چون ذراری ائمه اطهار همچون آباء و کرامشان پیوسته در معرض تعدی و تجاوز و جور و عدوان دشمنان بوده و حتی گاه مجبور به پنهان کردن اصل و نسب خود از مردم میشده اند و لهذا احوال و آثار و قبور و مزارات اکثر آنان مجهول مانده و نظر بعمل فوق الاشعار با اینکه مزارات بسیاری در عموم بلاد و قری و قصبات و حتی جزائر و کوهستانها و بیابانهای عجز و عراق و سوریه و ایران و سایر بلاد و ممالک اسلامی شرقاً و غرباً بنام امامزاده یا معروف مشهور است اما حقیقت اصل و نسب و احوال آنان مجهول و لکن عموماً برای هر یک از آنان امامزاده یا در محل خودشان مطالبی بر سر زبانها است که غالباً مبتنی بر ظهور کرامات و خوار عادات و در خصوص امامزادگان ایران این مطلب غالب توجه است که یکی از مورخین دین به نام ابن شمس بنام ابو الحسن علی بن زید بهیقی (متوفی سال ۵۶۵ هجری) در مجلد اول کتاب نفیس خود «باب الانساب و العقب» نسخه خطی کتابخانه آستان قدس ، گوید پس از شهادت حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام سه هزار نفر از اولاد ائمه طاهرين بخونخواهی آنحضرت از بغداد بایران آمدند و لشکر مأمون از حدود و حوالی قم تا خراسان جایجا با آنان مصاف داده و آنها را شهید کردند ! در صورت صحت این کلام نتیجه آنست که در حدود سال دویست و سه هجری که سال شهادت حضرت امام علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیهما است قریب سه هزار تن از سادات عظام و اولاد ائمه انام علیهم السلام در بلاد ایران از حوالی قم تا خراسان بدرجه رفیع شهادت نائل و در همان اکنه شهادت خود مدفون گردیده اند که قبور بسیار که آنان باز بسبب جور و عدوان دشمنان مخفی و ستور بلکه متروک و مجهول مانده و در همان اوان لکلی آثار آن قبور از بین رفته است جز اندکی انگشت شمار همانند قبر حضرت احمد بن موسی الکاظم علیهما السلام که بقول همان کتاب بهیقی و فی الشکر مأمون در کوهستانهای ناحیه اسفراین خراسان شهید کرده و در همانجا دفن شده و قبر مطهرش تا زمان بهیقی بزرگتر مزاری مشهور بوده که مع الوصف مزار این امامزاده جلیل القدر نیز در کتب مختلف در چند موضع دیگر نیز نشان داده شده و شهرت فعلی که مزار فاضل الانوار شاهچراغ شیراز باشد خطا بطلان بر روی همه اقوال دیگر حق یا ناحق کشیده است . و نیز از جمله شواهد انتشار و اشغال ذراری ائمه اطهار و امامزادگان بلا واسطه و با قلیل الواسطه آنحضرات صلوات الله و سلامه علیهم در اطراف و اکناف عالم آنست که نسابه بزرگترین پنجم ابراهیم بن ناصر این طباطبائی در کتاب نفیس خود «منتقلة الطالبیه» قریب سیصد و پنجاه شهر و قریه و قصبه را عنوان کرده است که سادات بزرگوار بدان نواحی وارد و سکونت اختیار کرده اند ، و تازه این احصائیه تا اواسط قرن پنجم هجری است که زمان تألیف کتاب منتقلة بوده ، و متأسفانه از آنکه امامزادگان و حبیب التعظیمی که بدانها اشاره کردیم بعلت جور و ستم دشمنان و با علل دیگر کمتر نام و نشانی باقی مانده و با اینکه در زمان حاضر قبور و مزارات بسیاری در گوشه و کنار بنام امامزادگان معروف و مشهور است بدرستی و اندوی تحقیق پسندیده علمی نمیتوان نام و نسب صحیح همین عده را نیز کاملاً معین نمود مگر تنی چند بغایت اندک که شاید رقم آنان از عدد انگشتان

صفحه یازدهم، تألیف مرحوم شیخ محمد ابراهیم بن شیخ عبدالرحیم النجفی الکلباسی الاشتهری است که کتابش سال ۱۲۴۶ قمری در طهران
 لایحه رسیده و آنجا گوید: «تفسیر من جمله از امام زادگان محترم که خصوصاً سزاوار است ذکر و بیان حالی از ایشان بشود جناب امامزاده
 داود علیه السلام است که آن بزرگوار چنانچه منقول از کتاب «عمدة الطالبین» شده نسبت بموسی بن جعفر علیه السلام برساند و باین عبارت
 نقل شده: «من ورد الری من ولد حسین بن علی ثم من اولاد جعفر بن [محمد بن] علی بن الحسین منهم من ولد موسی الکاظم بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین
 ابن علی بن ابیطالب علیه السلام: داود بن موسی بن ابراهیم بن الامام موسی الکاظم علیه السلام، بنا بر این بدو پشت بموسی بن جعفر علیه السلام میرسد،
 و بعضی نسبت امام زاده داود را بجعفر است امام زین العابدین نسبت داده اند چنانچه در لوح زیارت نموده که برای آن جناب نوشته شده است
 نیز ثبت است، و آن بخش پشت و واسطه نقل شده است، و قبر شریف او از قدیم زمان الی الآن محل توجه و زیارت عموم مسلمانان
 و دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده از طهران و توابع آن خاصه صلی و تعداد سبب توجه کامل ببقعه شریفه آن جناب داشته و دارند که
 اقل [کذا] سالی کمترین زیارت او مشرف شوند، و اجداد از علماء طهران و غیره تبرک و توسل پیدا میکنند از بقع شریف آن جناب»
 پس صاحب «تذکرۃ العظیمه» کراماتی نسبت با امامزاده داود از مرحوم آقا میرزا محمد حسن آشتیانی مجتهد مای طهران و مرحوم
 شیخ عبدالرحیم پدر مؤلف مذکور نقل کرده است، و مخفی نماند که آنچه بواسطه فی از کتاب «عمدة الطالبین» نقل کرده اشتباه و مقصود کتاب
 «مستقله الطالبیه» است که عبارت منقول از مستقله است نه از عمدة الطالب، که اولین بار مرحوم حاج ملا باقر و غلط طهرانی در
 کتاب «جنت النعیم و العیش السلیم فی احوال مولانا عبد العظیم» صفحه ۵۰۰ طبع طهران سنه ۱۲۹۶ قمری «عین عبارت مستقله از زری
 نسخه خطی موجود در طهران بدون تطبیق داود مذکور در عبارت مستقله با امامزاده داود مورد بحث نقل کرده است و اصل با اینکه مؤلف جنت
 النعیم در چند موضع از کتاب خود بعضی از امامزاده های مدفون درری و طهران و حوالی را معرفی نموده هیچ سخنی از امامزاده داود بیان نیاورده است
 و فقط داعی او بر نقل آن مطالب اینست که صاحب مستقله گوید اولاد داود بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام درری بوده اند،
 و ضمناً ناگفته نگذاریم که عبارات کتاب «مستقله الطالبیه» را که صاحب «جنت النعیم» بدون واسطه از زری نسخه خطی آن کتاب و صاحب
 «تذکرۃ العظیمه» مع الواسطه نقل کرده اند در هر دو جا اشتباهاتی بهنگام نقل رخ داده و چون نسخه مطبوعه سال ۱۳۸۸ در کتب اثر
 نیز مأمون از خطانیت و همه آنها با نسخه خطی موجود در نزد جعفر اخندانی دارد لذا ما محصل کلام مستقله را در اینجا بسنوسیم و مخفی نماند
 مؤلف این کتاب شریف است به ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر بن ابراهیم بن عبد الله بن الحسن بن علی بن محمد «صاحب نقد الشعر» ابن احمد بن
 محمد بن احمد بن ابراهیم طباطبائی ابن اسماعیل بن ابراهیم الغفران الحسن المشنی ابن الامام الحسن السبط علیه الصلوٰه و السلام است که خود
 در قرن پنجم هجری منیریه و ساکن اصفهان بوده است و کتاب «مستقله الطالبیه» را در اواسط قرن پنجم هجری تألیف نموده و در آن
 سلسل سادات عظام را که از مدینه منوره خارج و در اطراف و کناف عالم مسکن گزیده اند معرفی نموده است، باری فقط آنچه
 غایه الامر از کتاب مستقله استفاد میشود اینست که گروهی از سادات در شهری خود را از اولاد داود بن موسی بن ابراهیم
 ابن موسی بن جعفر میدانسته اند، و السلام، و مگر صاحب مستقله نه از آن گروه اسمی برده و نه از احوال و مدفن داود چیزی بیان
 کرده است، قطع نظر از اینکه وی در پایان کلام خود از ابو عبدالله ابن طباطبائی نسبت به نقل کرده است که داود بن موسی از
 منقرضین بوده و در «خبریه ری» اولادی برای او ندیده ام، انشی، و اگر چه شیخ الشرف عبیدی نسبت به که زماناً مقدم بر صاحب
 مستقله بوده است در کتاب «تذکرۃ النسب» خود گوید اولاد و اعتقابی از داود مذکور درری بوده اند، لکن آن نیز با سخن
 نسبت به شهباز دیگر ابو نصر بخاری صاحب کتاب «سراسل العلویه» که پس از این نقل میکنیم چندان سازگار نیست.

بهر جهت، آنچه بنظر ضعیف می رسد اینست که اشخاصی که جناب امامزاده داود مورد بحث را از اولاد و احفاد حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام و السلام دانسته اند صرفاً باستناد کلام صاحب کتاب «منتقلة الطالبية» بوده که در این صد سال اخیر با قدری کم و بیش این مطلب را شایع کرده اند، اگرچه کلام نسابة بزرگ دیگری که در قرن چهارم هجری نیز بسته و تا سال ۳۴۱ زنده بودن او مسلم است، یعنی شیخ ابونصر سهل بن عبدالله بن داود بن سلیمان بن ابان بن عبدالله بخاری در کتاب مهم و بسیار نفیس «سیر السلسلة العلوية» ص ۴۳ بخف اشرف سال ۱۳۸۱، اندکی در این باره روشن تر است که گوید: محمد بن داود بن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام نزل ری، در گذشت و حال آنکه فرزندی برای او نبود، انتی، از این سخن دو مطلب بخوبی واضح میشود: یکی آنکه محمد فرزند داود نزل ری بوده، و دیگری آنکه محمد بلا عقب در گذشته است.

پس از این همه طول و تفصیل که متأسفانه در معرفی صاحب مزار معروف به امامزاده داود مورد سؤال نیز خندان نیمه بخش نموده، اضافه می کنیم که یک نفر از فضلا و علماء سادات نجف اشرف در عصر حاضر آقا سید عبدالرزاق کمونه حسینی که تألیفاتی در تاریخ و انساب دارد، در کتابی که اخیراً بنام «مشاهد العترة الطاهرة و اعیان الصحابة والتابعین» سال ۱۳۸۷ در نجف طبع کرده است، در صفحه ۹۸ آن کتاب صریحاً مزار داود بن موسی را در همین موضع امامزاده داود، و مزار فرزندش محمد را در ری معین کرده و گوید:

«وفي الري قبر محمد بن داود بن موسی بن ابراهیم المرتضى ابن موسی بن جعفر عليهم السلام. قال ابونصر البخاري في «سیر الانساب»: هو نزيل الري، مضى ولا عقب له. وأما المشهد المعروف بامامزاده داود، هو قبر داود بن موسی بن ابراهیم المرتضى، الذي يبعد عن طهران فرسخين». پایان کلام سید عبدالرزاق، و خدا کند که ماخذ ایشان در تعیین قبر امامزاده داود جای معتبری غیر از کتب و اقوالی باشد که سابقاً یاد کردم.

« قول جدید درباره مزار مقبره امامزاده داود علیه السلام »

اخيراً در جائی سب آن جناب بدین صورت دیده شد که وی: «شرف الدین داود بن عماد الدین یحیی بن جعفر بن نوح بن الحسن الغیلی البیانی ابن ابی الحسن یحیی الهادی ابن ابی عبدالله الحسین بن القاسم الرسی ابن ابراهیم طباطبائی ابن اسماعیل بن ابراهیم الغفر ابن الحسن المثنی ابن الامام الحسن المجتبی ابن امیر المؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب صلوات الله وسلامه علیه» است. این قول جدید شبیه قول بدایع نگار است که سابقاً نقل کردم، و اینکه در توضیح آن گوییم که: ابوالحسن یحیی الهادی مذکور سررودمان سادات یمن و امام آنکه زیدیه بوده و سال ۲۹۸ در بلا دین وفات یافته. فرزندش حسن الغلی بطوری که از کتاب «سیرة الهادی الی الحق مجیی بن الحسین» ط بیروت ۱۳۹۲ ص ۴۰۷ «استفاد میشود در جهادی الاخره (۳۲) در معرکه قتالی در منزل راحه یمن بقتل رسیده، و در کتاب «روضه الالباب» معروف به «مشجر ابو علامه» (۱) چندین فرزند برای حسن غلی ذکر کرده و گوید اولادش در جهات زبده اند، انتی، اما در میان آنان نوح نام نیست، و در کتب تاریخ الحسینین با نساب من باليمن من بیوت عترة الحسینین» (۲) که تسطیر و تکمیل آنست مشهورترین و معتبرترین کتب انساب سادات یمن بشمارند، که نه در آنند و نه در کتب سب دیگر مطلقاً اشاره ای بنام نوح بن حسن غلی نشده است، و لکن عدم الوجود آن لا بدل علی عدم الوجود. و هذا ما عندنا و العلم عند الله سبحانه و تعالی، و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین حرره المتمسک بولاء العترة الطاهرة، الراعی غوره العقی الغنی المغنی محمد علی بن محمد ششم الموسوی الرضائی الاصفانی، فی غرة شهر جمادی الاولى سنة ۱۳۹۳ و جده النظر فیها فی شهر ذی الحجة ۱۳۹۸ طامراً و طبعاً.

(۱) تألیف سید حافظ ضابط نسابه محمد ابو علامه ابن سید امام متوکل علی الله عبدالله مؤیدی حسینی یمنی متوفی در شهر صعدة یمن در ماه ذی الحجة ۱۴۰۴ که در غره ماه رجب ۱۰۳۰ از تألیف مشجر مذکور قرائت یافته است.

(۲) تألیف سید محمد بن مهرزبان یمنی صنعانی متولد در ماه رمضان ۱۳۰۱ در شهر صنعاء، از مورخین بزرگ در عصر ما که تألیفات متعدد خوب دارد و عموماً در مصر طبع رسیده اند.

صفحه ۶

اصفهان

تکمله

پس از فراغت این رساله بنظر رسید شرحی را که عالم فاضل جلیل القدر مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی بر جندی رحمه الله علیه
(ستود نیمه زک الوعدہ / ۱۳۱۰ ستونی ۵ زک الحجہ / ۱۳۹۱) در کتاب نفیس «بهارستان ص ۱۶۶» پیرامون زیارت امامزادگان نوشته
عیناً در اینجا نقل کنیم، باشد که طالبان را مفید افتد و آن مرحوم در اتم این سطور را دعا کنند، گوید:
«بدانکه زیارت قبور اولاد ائمه علیهم السلام و حضور در بنای مطهره ایشان از امور مندوبه بی است که علمای اعلام تصریح کرده اند که مستحب
است بلکه زیارت مقابر مطلقاً مؤمنین مستحب مؤکد است. در کتاب «کامل الزیارات» از عمربن عثمان روایت کرده اند که شنیدم
از حضرت امام موسی علیه السلام که فرمود: هر آنکه قادر بر زیارت ما نباشد پس زیارت کند صلحاً؛ از دوستداران ما را تا نوشته شود از
برای او ثواب زیارت ما. و ایضاً در حدیث صحیح محمد بن مسلم نقلی از حضرت صادق روایت کرده که بان حضرت عرض کردم: آیا اموات
زیارت کنیم فرمود: بلی! عرض کردم: آیا آنها میداند که زیارت ایشان رفته ایم، فرمود: بلی بخدا قسم میداند و شاد میشوند و با شما
انس می گیرند و البته باید مقصود از حضور در نزد تنبور صلحاً، و علماء و اولاد ائمه بطوری که سیره جمالی است نباشد که فقط منظور این
تفریح و تماشائی است، بلکه زیارت آنها را وسیله سعادت و از مراتب مودت بدانند که اجزای رسالت است و در اوقات حضور در آن
بنای شریفه عبادت و تلاوت و مذاکره اخبار فاضل و مواعظ و مرانی حضرات ائمه اطهار بگذرانند و شایسته است از کتب ادویه
معبره همراه داشته باشند و بگویند، زیارت وارث و زیارت عاشورای حضرت سید الشهدا و زیارت جاسعه را که در همه جا هر وقت
وارد است و زیارت حضرت صاحب الامر (عجل الله فرجه) و نماز جعفر طیار در رسیدن. کونج و طالب دنیا و آخرت آثار عجب دارد.
و از برای زیارت امامزادگان با خصوص سید این طایفه در کتاب «مصابح» زیاراتی نقل فرموده و این زیارت را القباس از زیارات مأثوره
کرده و در اینجا بطوری بدم که در همه جا بتواند از اثر امامزادگان را بدان زیارت کند یعنی مرده های آنها را و در زیارت مخدرات عصمت
زیارتی که از برای حضرت معصومه وارد است مناسب است بگویند با رعایت مناسبت فقرات آن در البته شایسته است که با وضو
و طهارت باشد. زیارت این است:

زیارت امامزادگان عظام علیهم السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آتَيْنِ اِيْنِ اَسْمَاءَ عَلِيٍّ وَحَسْبِ وَتُسْتَوْدَعُ حِكْمَتُهُ السَّلَامُ عَلَى اَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَالطَّاهِرِينَ
مِنْ عَشْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . پس داخل روضه شود بگویند: السَّلَامُ عَلَى خَدِّكَ الْمُصْطَفَى وَعَلَى أَمْرِكُمُ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدِينَ
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ السَّلَامُ عَلَى الشُّعُوبِ الْفَاضِلَةِ وَبُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاهِرَةِ وَالْجُودِ الزَّاهِرَةِ شَفَعَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أُمَّةً
بِأَنْوَارِ الْعِلْمِ وَالْيَقِينِ وَأَوْرَقَتْ بِالْحُجَّةِ وَالْكَرَمِ وَالذَّخْرِ الْبَارِكَةِ الْفَهْمَةِ الَّتِي أَزْهَرَتْ بِبَدَائِعِ الْحِكْمِ وَمَعَارِفِ الدِّينِ فَاشْرَقَتْ
عَلَى رُؤُوسِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَرَحِمَتْ رَبَّكَ أَنْ تَشْهَدَ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ تَحْمِلَ عِبْدَهُ وَتَرْسُولَهُ وَمُصْطَفَاهُ وَأَنْ تَأْمُرَ
الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَوْلَى اللَّهِ وَتَرْضَاهُ وَأَنْ الْإِمَامَةَ فِي وَلَدِهِ إِلَى تَوَمِّ الدِّينِ تَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمُ الْيَقِينِ وَتَحْجُزُ بِذَلِكَ الْمُعْتَقِدُونَ
وَفِي نَصْرِهِمْ جَهْدُونَ تَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَهُ الْكَرِيمَ وَالْقُوَّةَ بِدُخُولِ حَسْبِ الْعِلْمِ وَأَنْ تَحْمِلَ أَنْفَ قَلَمٍ حَقّاً وَتَطْعَمَ صَدَقاً
وَتَدْعُوهُمْ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَمْ عَلَانِيَةً وَسِرّاً فَازْ مِنْ اتَّبَعَكَ وَجِزْ مَنْ صَدَقَكَ وَخَابَ مَنْ كَذَبَكَ وَخَسِرَ مَنْ خَلَفَ عَنْكَ

أَشْهَدُ بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ عِنْدَكُمْ لَا كُونَ مِنَ الْغَائِزِينَ، انيْتُكُمْ زَائِرًا وَحَاجِي عِنْدَكُمْ مُسْتَوْدَعًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْشِدُكَ بِدَمَاءِ الْمَطْلُومِينَ وَنِعْمَةِ قُلُوبِ الْمَجْرُوحِينَ وَكَرْبَةِ وَجْهِ الْمَكْرُوبِينَ
 الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهَاجَرُوا مِنْ أَوْطَانِهِمْ فَقُتِلُوا جَوْرًا وَظُلْمًا وَتَجَرَّعُوا الْغُصَصَ هَضْمًا وَحَلَمًا أَنْ
 تَصَلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ لَا تَدْعَ لِي فِي هَذَا الْمَقَامِ ذَنْبًا إِلَّا غُفِرَ لَهُ وَلَا غَمًّا إِلَّا كُشِفَ عَنْهُ
 وَلَا دَيْنًا إِلَّا قُضِيَ لَهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شُفِيَ لَهُ وَلَا غَائِبًا إِلَّا احْفَظْهُ وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمْنُنِي مِنْهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ
 حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا رِضًى وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا وَسَيَّرْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۝

ختم شد زیارتی که نگارنده بهارستان برای امامزادگان نظام نقل کرده و سپس کیفیت بجای آوردن نماز در کنار
 مزارات را ذکر نموده، من شاد فیرجع الیه، و هذا تمام الکلام، و الحمد لله و سلام علی عبادہ الذین اصطفیٰ محمد و عترته و ذریته البررة
 الکرام الاتقیاء و رحمۃ الله و بركاته.

و مخفی نمایند که در حدود سال ۱۳۷۳ جزوه فی بنام "داود تیم و مدارک آن" ط ۲، ص ۲۷ مشتمل بر
 نقشه ای استعددی در طهران بطبع رسیده، لازم است یاد آور شود که آن جزوه در باره سرگزشت قریه داودیه واقع در
 جنب جاده شمیران در قرب قلعه می باشد و بطریقی به امامزاده داود مورد بحث ما ندارد، والسلام خیر ختام.
 بنایخ شب ۲۹ ذی الحجه ۱۳۹۸ هجری قمری. سید محمد علی رضائی غفر الله عنه.

از مرحوم آقا حاج شیخ محمد اسماعیل فرزند میرزا جبار و دختر میرزا محمد امیر اورد
 مرحوم آقا میرزا شیخ محمد

هو

« هدی نجفیه »

« ملقب به کل محمدی »

متمم بر سه فصل

۱- در شرح حال مرحوم آقا میرزا محمد مدرس نجف آبادی
 [۱۲۹۴ - ۱۳۵۸]

۲- در شرح حال مرحوم آقا سید عبدالسه قسری الاسلام
 [۱۲۸۵ - ۱۳۸۲]

۳- در شرح حال مرحوم آقا حاج شیخ مهدی نجفی

(رحمة الله تعالى عليهم اجمعين)

راجيا من نظرفيه الدعاء في الحياة وبعد الممات والسلام
 عنه الاقل سيد مثل روضاتي في سنة ۱۲۹۷ هـ

۲۲-

مرحوم آية الله حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاه
 و نور پس از مدتی مدد کسالت و ضعف هم در خانه مسکونی خود در محله مسجد شاه اصفهان
 وفات یافت و صبح دوشنبه ششم از مسجد شاه تا فردگاه جنازه آن مرحوم بر سر دست شیخ
 و با هوای بسیار متشنج و رضوی تشنگ و در حجره مقبرة العلماء قریب دارالسیاده بارگرفتند
 و جناب السرحیم متقد در اصفهان و غیره برگزار گردید و مرحوم معلم حبیب آبادی در تاریخ فوت آن مرحوم گفت:

پس معلم سوسی جمع رو کرد که بداند از این سالش بویان
 شد در آن جمع یکی تا که گفت شیخ مهدی نجفیان بزرگمان

بجدا لله والمنه شرح حالات سه تن از علمای اعلام معاصر اصفهان

علی الله تعالی مقامهم خاتمه یافت و در نگارش این یادداشتها

پانزده روز تمام صرف وقت شد و کمال وقت و نهایت

فحص و تحقیق در تنظیم آن بعمل آمد و چنانچه یکایک

انوار و تالیفات و اجازات آنان مورد مطالعه

و رسیدگی واقع و از بازماندگان ایشان

پرسش بیشتری شود نتیجه

کتاب مبسوط خواهد شد

شد و فیما ذکرناه

کفایه آن

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و عترته الطیبین

الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم و مخالفینهم اجمعین ابد الابدين

حدره الراجی کم ربه و غفرانه محمد علی بن محمد هاشم بن

جلال الدین بن مسیح بن صاحب الروضات

غفر الله تعالی عنهم فی صحیفه الخیر

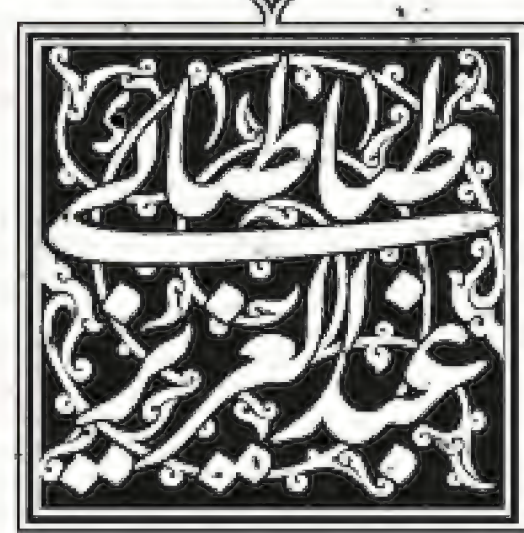
الحامس من الربع الاول سنة

الف و ثمان مائة و سبع

و تسعين و ثمان مائة

فی بلدة اصفهان

تمت



بنیاد محقق طباطبائی

و آقا میرزا محمد تقی شیرازی و حاج قاضی میرزا محمد باقر و حاج سید اسماعیل صدر اصفهانی و آقا میرزا فتح
 شریعتی اصفهانی تلمذ نموده و از خواص اصحاب آخوند مقرر در رس وی بشمار و علی السبق
 دوسه دوره در اصول آداب را در یافته و بنیم تقریرات در رس وی را در دو مجلد (ایضاً)
 الفاظ ۲ قطع و ظن برسته تحریر کشیده و نسخه آنرا مرحوم حاج "الذبیح" ۳۸۴: ۴ نرسیده
 محققان سید کاشانی نزل را نگون دیده است، و از مباحث الفاظ نسخه فی هم در
 اصفهان نزد آیت الله اردکانی شاگرد آخوند موجود است، که حدیثی به آخر آن
 آقا میرزا محمد پس از پانزده سال توقف در کتب اشرف و تکمیل تحصیلات خود در
 قبل از وفات استادش مرحوم آقای آخوند باصفهان بازگشت و از آن هنگام در عموماً
 مدرّس علمی اصفهان "صدر" سلطان چهارباغ، جده بزرگ و ملا عبدالله بیست و یک
 پرداخت و عموم طلب و فاضل وجود او را منتظم دانسته از منبع فیاض دانشش که از پیش
 در عرفیات فقهی و جمع بین اخبار و توضیح مطالب و تنقیح مباحث غامضه اصولی وجود
 تقریراتی از آشکارا شد بجهت و در شدند، و اگر چه آقا میرزا از بحران شدید و قانع
 مشروطیت و ابتدا، مرحوم آخوند و اصحابش بمصائب آرس از تهاجر و حرم حاج شیخ
 فضل الله نوری (در همان سال ۱۳۲۷) بسدایت جسته و بوطن مألوف بازگشته
 لکن در سال آخر عمر سید بزرگوار داخله ایران دستخوش انواع حوادث و اقسام بلایات
 سیاسی و اجتماعی و قتل و غارت و نا امنی و قحط و غل (بخصوص در سال ۱۳۳۶ ق) بوده
 و بالاخص در ده و یازده سال اخیر که عموم اهل علم و ایمان گرفتار مضائق و نوحه و طاف فرسا
 بوده اند، مع الوصف مرحوم آقا سید محمد بیوسه باشتیالات علمی و وظائف دینی خود سرگرم و بی
 اعتنا بطولای فرمیده رسوی در کمال زهد و ورع و تقوی و قناعت بسر برده و پشت پا
 بکمال و مثال بر و بال دار فانی زده است، و در عرض سید که نفر از مستفیدین را بسبب حد
 کمال علم و عمل رسانیده و مخصوصاً پس از فوت مرحوم آقا سید محمد باقر در حقیقتی (در ۱۳۴۲)
 و پس از فوت آیت الله حاج میرزا محمد صادق خاتون آبادی (ره) بسال ۱۳۴۸ در فوت مرحوم
 آیت الله آخوند محمد حسین فشارکی (در ۱۳۵۳) که سید با این بزرگوار اخیر الذکر و سید عالم
 جلیل القدر مرحوم حاج سید عبدالحسین سید العارفين (متوفی ۱۳۵۰) کمال انبساط و الفت و رفت
 و آمد را می داشتند، مرجعیت علمی و فتوای و حکومت شرعی تقریباً همه با مرحوم بوده، خود
 علما و علمای اشرار بالبنان و باسبب جمیع جهات زعامت و مندر و وجوه و امور و جبهه و مورد
 کمال و شوق مردم اصفهان و غیره گردیده و از عموم طلب و کمال حسن خلق و بنا داشت
 نقد و ملامت و سرپرستی میفرموده است.

صاحب ترجمه بهمان اندازه که دلداد شریعت و متوغل در آن علوم بود از فلسفه گریزان و از
 فلاسفه وحشت داشت، و بسیار از مذکورین فلسفه شنیده بودم، او معتقد بود که تنهاراه
 نجات بشر در پیروی از شریعت مطهر است، و بی رعام سوای علوم اهل بیت رسول خاتم صلوات
 علیه و آله و سلم اندوختنی نیست، البته آنچه گفتیم در باب الهیات بود که راه فلسفه را در این
 بار بآلوه تخطئه میکرد و آنراستم حاکم میداشت، و در مسطی که خود در سنن جوان سروده
 نیز باین مطلب اشاره کرده، در آخر آن اگر بگوید:

که در طلب مال و کجی در طلب جاه که در عقب راحت و که در عقب بیه
 که از بی نصرت شناخته بگرد راه گاهی ز بی قصه خرچید ز روباه

که بهر تاشای ریاحین شده چون خار

که در طلب فلسفه کلاه عین ضلال که هیئت و بنجم که خود محض خیال
 که مطلب لا یغنی کاسیا ملال این حاصل سی ساله دیند و وبال

اخیر سوزی از خواب گر انما به تیر بردار



بنیاد محقق طباطبائی

مرحوم میرزا محمد علی مسلم حبیب آبادی شرح حالی بر بنیای سال سابق الذکر در کتاب خود "مکالمات" نام
 نگاشته و اسامی تألیفات و تصنیفات آن مرحوم را به تفصیل ذیل آورده است:
 "۱- کتاب آگهی های علمی و در آیات و اخبار متضمن کتبیات جدیده. به کتاب "الکلیات"
 در اصول فقه که خود در وصف بکسی از آن نموده، انجام تألیف آن شب آدینه ۲۶۲۵ سنه ۱۳۴۴
 ۳- کتاب اساس و زمین و ذهب و در احوال حضرت زینب ع. چهارم کتاب اصول دین، انجام
 تألیف آن ۵ شنبه ۸ منزه ۱۲۴۷- کتاب "انوار نامه" در پند و اندرز گردان ملاک صبر
 تألیف آن محرم سنه ۱۳۴۶- کتاب "الانوار" در اشعار مدائح و مناسبات بعرنی ۷- کتاب
 "انوار" در مطالب متفرقه و احوال برخی از علما، الفارسی، تألیف آن حب سنه ۱۳۴۳ چنان
 که مستفاد از ص ۲۲ آن است ۸- کتاب ترجمه احوال خودش و پدرش که بخط خودش نزد ما
 حاضر و در صدر عنوان اشعاره بدان نموده، انجام تألیف آن شبان سنه ۱۳۶۲- کتاب
 "جنات" در فقه استدلالی که تمام نشده ۱۰- کتاب "جنات عدن" در ادب و زیارات
 ۱۱- کتاب "رد و کبیر" ۱۲- کتاب "سندس و متبرق" در ترجمه مستغنی از کتاب "نور المیزان"
 در وقعه صفین ۱۳- کتاب "شهاب ثاقب" در تفسیر آیه انما اتینا السماء الدنيا زینة
 الکواکب ۱۴- کتاب "عدن" شبهه بکشد ل شیخ جهانی در نسخ حاضر ۱۵- کتاب "مرفق"
 در راه اصلاح مناسبات عصری ۱۶- کتاب "نعم النواص" در سبک و اخلاق ۱۷- کتاب
 تعداد از این تألیفات به تمام شخص مرحوم مؤلف بجا بنگاشتی طبع و منتشر شده است.

عالم فقیه شیخ محمد تقی معروف با قاضی پس عالم زاهد غایب شیخ محمد حسین ثم والد و حاج آقا نورانی
 و حاج شیخ جمال الدین و حاج شیخ اسماعیل که در قید حیات و مقدار و چهار سال در دیباجند.
 علی اکمله این بنده مقدمات و سطح رسالت را در اصفهان دریم و شروع بنده
 در درس خارج خدمت والد علامه اعلی الله مقامه در سنه هزار و یکصد و چهارده بود و تا شعبان
 هزار و یکصد و یکصد که والد وفات نمود بدینش میرفتیم و مفصلاً می نوشتیم و آن رسالت از انفع
 و در کس بود و همین از فضلای می نوشتند، و پس از وفات والد اشتغال و افزه چند بنده را
 از تحصیل عائق شد تا آنکه خدای عز و جل منت نهاد در او اهل سال هزار و یکصد و بیست و
 پنج بقیات عالیات تشرف حستم و چهار سال در کف اقامت کردم و در کس محقق جلیل
 اخوند ملا محمد کاظم خراسانی علیه الرحمه را مواظبت داشتم فقها و اصولاً و می نوشتیم با ترجمه
 نظریات خود این بنده، و هم نزد سید علامه نبیل سید محمد کاظم بن ذی المستهی السیر ریاسته
 الا مائیه فی ذاک الاوان تلمذ می نمودم. وی در بابی متدفق بود در فقه و در آن زمان عدلی
 نداشت و در حسن بیان و جود تحقیق اعجوبه بود. و این بنده را اجازه ای است از علماء
 مشافحه و مکاتبه اول کس که بنده را اجازه دارد سید علامه مزبور است، و در سید
 فقیه بنیه مستحسن است. حسن صدر بن السید ادریس العالم صاحب التصانیف اکثره فتاوی
 الله علیه بود، و اجازه تامه او بقطر کتابی میشود (۲) و مشایخ خود را تائیده الا سیدم کلینی
 قدس الله روحه بیان نموده و از مصنفات بر علیه سید مزبور رساله بزرگی در رای شیخ
 و جیزه علامه بهائی اعلی الله مقامه می باشد و در آن کوی در حرمت ریش تراشی که جمیع ادله
 تمسک حبه است. و از مشایخ اجازه این بنده شیخ الفقهاء ملا محمد حسین قشیری
 اصفهانی قدس الله روحه می باشد، وی مشافحه اجازه به بنده در نقل حدیث از شاگردش
 واد بنده صورت سلسله اجازه را خواستم و او مکتوباً اجازه برادر فقیه خود ملا محمد باقر افرتاد
 مرحوم حاج شیخ مهدی در اینجا صورت آن اجازه را نقل کرده و بعد گوید:
 «و آخر فقیهی که به بنده اجازه داد علامه تحریر میرزا محمد حسین نائینی متوفی در
 هزار و یکصد و پنجاه و پنج بود، قدس الله روحه الزکیه مکاتبه اجازه دارد» (۳)
 سپس صورت آن اجازه را نیز نقل نموده و مرحوم میرزای نائینی در این اجازه از
 مجاز مدح و تعریف بسیار نموده و هر یک را ورا مجتهد مستفیض دانسته است. بعد از این اجازه در
 آن سال اسمی تالیفات مرحوم حاج شیخ مهدی است که تمامه ثبوت آن نوشته و من قریب ذکر کردیم.
 (۱) مخفی نماند که آن مرحوم در آن تاریخ تقریباً شازده ساله بوده است.
 (۲) نام این اجازه «اللهم المهدیه الی الطریق العلیه» است که در «ذریعه» ۱۸: ۲۵۴
 گوید اجازه نیک و جامع است و تاریخ آن روز شنبه بیستم صفر ۱۳۲۹ می باشد.
 (۳) در کلام انانیت است که آن مرحوم از آیه الله سید محمد علی شیرازی نیز روایت میکند.

تقریباً سید محمد در حدود سال ۱۲۵۰ در مدرس مرحوم ملا عبد الله بتدریس مسائل حساب و کفایه
 اشتغال داشته. و ز جمله اصحاب خاص و مورد کمال توجه و احترامش این دروس می والدین
 مرحوم حجه الاسلام آقا سید محمد باقر رومانی (متوفی ۱۳۱۹ در تهران متوفی غریبان شطط الکوفه
 بال ۱۳۵۶ موفون در وادی السلام و دیگر مرحوم آقا سید زین العابدین البرقونی و الا تین حاج شیخ مرتضی
 اللار دکانی و حاج شیخ احمد فیاض و السید العالم الجلیل اصحاب سید روح الله اصفهانی اللار دکانی بوده اند.
 در سنین اخیر صیحه در کس بزرگ مدرس صدر مدرس خارج فقه و عصر در مدرس چهار باغ خارج
 اصول داشته و پیوسته در حوزه های درسی و جاعتی کثیره که گاه بالغ بر یکصد نفر میشدند حضور داشته
 و از جمله آن بزرگان چند تن دیگر که در عصر ما از علماء مدرسین خوب اصفهان بودند ذکر می کنیم بنظر از
 انج الباهره حاج میرزا علی آقا شیرازی و شیخ امین الله المیزانی و شیخ سید محمد تقی
 و هم من اساتیدی الاجله و الفقیه الحجه آقا سید ابوالحسن الموسوی الشیرازی و شیخ ابوالنزدی و غیره
 من اه علام الماضین رحمه الله تعالی علیهم اجمعین. و از جمله اعیان العلماء آیت الله العظمی علی العلامه
 الفانی و السیدین الجلیلین حاج سید مصطفی و اخوه حاج آقا مهدی ابنی العلامه سید المراتین و المحقق
 المدقق حاج شیخ عباس علی الادیب کجیب آبادی و المولی الهام الفاضل الکامل الشیخ محمد جواد
 الشهیر بالاصولی و الحجه العالم الجلیل حاج شیخ محمد تقی العنایه که در کس سلمه الله تعالی
 و در زمره اصحاب آقا سید محمد (ره) صاحب قاضی حاج شیخ مرتضی مدرس اردکانی از اعلام علماء
 کنونی اصفهان شاگرد اختصاصی و مورد توجه آن مرحوم بوده و باب ایشان اجازه مبسوطه می داده
 و اما اجازات دیگر که لعلماء اعلام و اهل فضل داده است زائد بر بنیاه فقره می باشد. و خود
 آقا سید محمد از مرحوم آیت الله آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و مرحوم آیت الله آخوند خراسانی
 و مرحوم آیت الله حاج آقا رضا مهدی از صاحب تصانیف الفقه اجله داشته که شیخ آنها در دست نیست
 صاحب ترجمه در آیات اقامت خود در نجف اشرف با مرحوم آیتین اصفهانی و عراقی بسیار
 مانوس بوده و چنانکه با مرحوم آیت الله الباهره حاج سید جمال الدین گلپایگانی (قدس الله سرهم)
 نیز صداقت داشته داشته و بمشورت آن مرحوم با محدثه فی کفیه ذکر خانه ایشان بنیک معلوم نیست
 از دراج نموده یک فرزند پسر و چهار دختر ازاد بوجود آورده که یکی از دختران وفات یافته و بقیه
 در قید حیاتند، و فرزند پسر سنی آقا حاج میرزا حسین (مدرس کفایه) از معلمین فاضل فیکر
 اصفهان سیدی خلق و شفیق و با فضیلت و در همین خانه پدری ساکن می باشد و تاریخ تولدش
 ۲۸ ذی القعدة ۱۲۳۳ ق است.
 زوجه کفیه بال ۱۳۳۸ ق در اصفهان وفات یافته و پس آقا سید محمد (ره) از جبره
 از اهل اصفهان با اختیار نموده که از او نیز فرزند پسر بنام آقا سید احمد (متوفی ۱۳۷۱) و اولاد

و کینفر در خبر وجود آمده که آنهای نیز در اصفهان ساکن و آقا سید احمد از دیرین متدین بشمار میرود.
 مادر این دو نیز در ماه حجب ۱۳۹۴ بدرود زندگی گشت.
 صاحب عنوان پس از فوت مرحوم آیه الله اخوند ملا عبد الحکیم گزنی مؤلف تذکرة القلوب
 (سال ۱۳۳۹ ق) مدتی به مسجد ذوالفقار واقع در بازار اصفهان و پس از فوت مرحوم سید افروز
 سابق الذکر در مدرسه باقلیه اقامه جماعت مینموده رعایت ناس بقبض حضور در جماعت آنرا بر گزاره
 میرسیده اند، و سوای این در محل گاه در برخی مساجد دیگر نیز امامت جماعت داشته است.
 مرحوم آقا سید محمد پس از بازگشت از کربلا اشرف (در ۱۳۲۸) تا آخر عمر دیگر موقوف
 بزیارت عبات مقدسه نگردد و در آنجا دو بار بمشقه مقدس رضوی مشرف شد که یکبار
 چند روزی مسجدهای آنجا را هم سیر نمود اما حاج آقا حسین المصطفی (علیه السلام) مقامه از
 اصدقا و قدیمی بود و در آن سفر و جویه علماء و مشقه مقدس از قبیل آقا زاده خراسانی و حاج
 شیخ عباس محدث قمی و دیگرین (رحمته الله علیه) با آن مرحوم ملاقاتهای داشته اند و دو بار
 نیز در قضیه مهاجرت علماء و جلد طبعه قم شرکت فرمود.
 خانه ای که آقا سید محمد در تمام عمر در آن زندگی کرد واقع در خیابان شاطط و نزدیک محله
 باقلیه بود و سوای آن در خلوتش با یکدیگر تهنیه نکرد، حتی کتاب و کتابخانه ای هم نداشت
 در حدود بیست سال قبل در محله «حاشیه کفایت الاصول» تألیف آن مرحوم
 بجهت آقای آیه الله اردکانی و آقای حاج میر سید حسین فرزند محمدرضا اصفهان طبع رسید. در این
 دو جلد حاشیه مقدمه التألیف دیده نمیشود لکن خاتمه تصنیف جلد اول (ص ۲۷۵) چنین است:
 «قد عنت النسبة الشرفية على يد اقل خدام الشريعة المطهرة محمد بن حسين الموسوي النجف
 آبادي في يوم عيد النور في الواقع في منتصف شهر شعبان المعظم ۱۳۴۲ هـ»
 و خاتمه جلد دوم (ص ۲۷۹) که پایان همه اش اجتهاد و تقلید است باین عبارت میباشد:
 «قد وقع الفراغ من تسويد هذه الاوراق على يد اقل خدام الشريعة المطهرة محمد بن
 حسين الموسوي النجف آبادي في ليلة الاربعاء التاسع عشر من شهر جمادى الثانية سنة ۱۳۴۲ هـ»
 نسخه اصل این حاشیه نزد محقق و الشیخ محمد باقر آقا حیدر قلی خان بودند (دامت بده)
 که خود نیز از خوشه چنان فرسخ علم در دانش آن مرحوم است بوده و آقای حاج میر سید حسین
 مدرس چنانکه گفته است از او دیده و بطبع رسانیده است. مع الاسف نسخه اصل در اثر
 بی بالائی ما در این طبع بسیاری از او را گمشدگی کرده. یکی از فضلا و نویسندگان
 معتمد در مقاله ای که در مجله آرمغان (سال ۱۳۹۱ شماره ۲) نوشته حاشیه کتاب مذکور
 را بسیار ستوده است.

او نیز چند سال در کتب با دایره تحصیلات خود پرداخت و در سال ۱۳۲۹ باصفهان
 بازگشت. معلماتش (در طبق اصول مدرسه) قابل تقدیر همیشه با دایره کتب
 تا آنکه گردید: «در حال امروزی نیکوتر و خوشنامترین افراد خانواده مسجد شامیان شمره میشود»
 صاحب عنوان در ماه شعبان ۱۳۶۲ بمکه امیر...
 «کلام الآثار» رساله ای (ص ۱۳۵) در احوال...
 آن حاضر در نظر است و مطالبی را از آنجا در این مجله می آوریم. هفت صفحه از آغاز رساله در شرح
 حال والد آن مرحوم و سه صفحه دیگر در احوال پدرش میباشد و در ابتدای ترجمه والدش گوید:
 «مرحوم والد حاج شیخ محمد علی عالمی متوفی فی شهر رجب سال ۱۲۸۸ ق»
 و قوت حفظ و استقامت مسایقه و لطف فرموده خلق و این فرموده داشت در او جمع
 بود با سخا و وفا و حلم و صیاتی که خود را خیره نامید. «ان» و در این رساله تاریخ ولادت پدر را به
 یا ۲۶ سنه ۱۲۷۱ در اصفهان از بطن یکی از صبا یای مرحوم آقا سید صدر الدین عالمی در آن
 رانیز در اصفهان بعارضه سکه در شب شنبه عجم شعبان ۱۳۱۸ قید کرده است.
 مرحوم حاج شیخ محمد علی شهور ثبته الاسلام فرزند مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ محمد باقر (متولد
 ۱۲۳۵ ق) فرزند مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی بن محمد حسین رازی اصفهان صاحب حاشیه معالم
 است و شرح حال آنان و سایر رجال این خاندان اجمالاً در کتاب «زندگانی آیه الله چهار سونی»
 تألیف این ضعیف طبع رسیده.
 با کمال، مرحوم آقای حاج شیخ مهدی در شرح حال خود در آن رساله چنین نگاشته است:
 «این بنده مهدی بن شیخ محمد علی بن الشیخ محمد باقر بن الشیخ محمد تقی غنی الله سبحانه عن
 جرائکم، و ولادتم در اصفهان در اوایل شعبان در وقت فجر با قریب آن و الشیخ شیخ سلطان، کارخانه
 الوالد العلامة اعلى الله مقامه، سنه هزار و دویست و شصت و هشت هجری بوده (۱) مادرم فاطمه طحینه
 بمبیز اسبگم از مضافات قانات ذاکرات خانات بوده و تا اینکه گوید:
 «مادرش خدیجه سلطان بیگم از اعیان سادات رضویه است» تا آنکه گوید:
 «سپید از طرف پدرم از طرف مادر نسب این بنده با اهل بیت نبوت صلوات الله
 علیهم متصل است زیرا مادر پدرم مادر بنده از ساداتند. پدرم در بنده لا کمال بر اسم
 از اعیان تجار قزوین بود مرحوم جد این بنده را شش پسر بود، اعلم آنها والد بود و اکبرها
 (۱) مرحوم آقای حاج شیخ مهدی بعد از شفا بمکه مرحوم صاحب کمالی گشته است که ۱۲۸۸
 مهر از رفته شد و بدون شک در ۱۲۹۱ کمزاردست داشت و نیز می باشد و مرحوم مسلم این
 ترجیح را در آغاز نسخه نوشته است، اگر چه این ضعیف از مرتبین شنیدم که باز خودی نمیشد و در ۱۲۹۹ امیده.

جلیل القدر متوفی ۱۲۷۰ در آن داخل شدند موافق دیگر نیز این دو بزرگوار پیوسته با یکدیگر
رفت و آمد داشتند و این بنده از مجالستان محظوظ بودم. بعد از فوت مرحوم جد (۱) نیز تا
ادامه عمر آن مرحوم گاه بغیض دیدارش نائل میشدم. او همی گاه در مسج شریطی رفتار شخصی خود را
تغییر میداد و طرز معیشت و زندگانیش در تمام عمر یکسان بود. از فقه آل محمد صلوات الله علیهم بعین
و معارف حقه سیر نمیداد و خستگی حس نمیکرد، بسیار دیدم که مطالب علمی تخصصی را از
متخصصین به علم و فن سؤال میکرد و بدقت گوش میداد و می یافت، درست مانند یک نفر
دانش آموز، اما در بحث داخل نمیشد از ترس انحرار بیدال.
از جمیع خدمات دیگر از زنده آن مرحوم شرکت در امر تأسیس ساختمان حسینیه
باصفا اینها در کربلا معلی و نیز حسینیه عظیم دیگر مشهد مقدس که تا آخر عمر از کارهای آن
غفلت نداشت و از روی کمال علاقه و ایمان در خدمات مربوطه کوشش میکرد.
باری فضائل آن مرحوم بسیار است و هر کس از عالم و زاهد و خوشبخت و بدبختانی
که بخدمتش میرسیدند هر یک خاطر امانی از او دارند که بهین مقدار در اینجا بسنده نمیکنم. قدس سره
را شنیدم که مرحوم حاج میرزا محمد باقر الفنت (۲) پسر عم و برادر زن مرحوم آقای حاج
شیخ محمدی در شرح حالی که برای آن عالم ربانی در «دفتر انساب خاندانی» خود نوشته
و تاریخ تحریر آن قسمت (ادامه ۱۳۶۴) میباشد در باره آن مرحوم گوید:
«حاج شیخ محمد محمدی نجفی ارشد و اکبر اوداد حاج شیخ محمد علی نقی (۱) از عهد
کودکی بحسن تربیت و کمال مراقبت پدرش مشغول تحصیل علوم شریعت بود و پس از
(۱) آقای چهار سوتی ساعتی پس از نیم شب پنجم ۱۳۷۷ بمال باقی منتقل گردید.
روز پنجمه اصحابان تعطیل عمومی و عزای همگانی برقرار گردید، مرحوم آقای حاج شیخ محمدی در شیع
خانه از چهار سوتی شیراز بان تاسجد شاه بای پیاده شرکت کرد و خود در مسجد بر آن نماز خواند.
از مسجد شاه نیز تا دروان تکران که مسافتی طولانی است شیع شد و از آنجا ببلده طیبه قم
حاج مرحوم آیت الله العظمی حاج آقای حسین الطباطبائی (المرحوم) اعانتی نمودند و آنجا خواندند
و پس خانه نجف اشرف برده شد و در وادی السلام رجوع نمود و در آنجا در آنجا در آنجا
چهار سوتی بجا سپرد شد.
(۲) یک روز که به دیدار مرحوم الفنت رفته بودم بگویم فرمود ماد و نذر تهنیت از فردی از چهار
دور مانیم که در انساب چهار صد عاقل قدر شرکت داریم: الشیخ حیدر کاشانی الفنا و
الدین العالی و الشیخ که صاحب شایسته المعالم و کما حاج میرزا زین العابدین و در وفات
همان چهار سوتی است که آن مرحوم یک مبله کالان را برای فرود و اعیانتان تا زمان
نگاشت و اینجانب تکمیل کردم و کهنه در عالمیز. ولایت الفنت ۲ ج ۱۳۷۱ از آن سر تا آخر

سوی «تقریرات مرحوم آخوند» و «حاشیه کنایه» که ذکر شد یک ساله در «قاعه لایق»
و یک ساله در «تترتب» در سال ۱۳۷۱ استصحاب کلی «و حاشیه فی بر لباس مشکوک»
مرحوم آقای سید محمد فاضل که از تألیفات مرحوم آقا میرزا محمد فاضل است و مکتب مطبوعاتی
رساله علمیه و حاشیه بر آنگونه رساله مانوشته در این کار داشته است. لباس مشکوک و آن
مرحوم رساله مخفی است و استصحاب کلی تقریرات در رس مرحوم آقا میرزا محمد فاضل است که
جناب میرزا ایکس در کتب مختص برای آقا سید محمد و آیت امیر حاج آقای حسین فی و آقا سید کرامت
ظرف چند ماهی در سامرا امیر فرود و رسید تقریرات مذکوره را نوشت. از ام آقا سید و کاند
و چند نشانی از آن موجود است.
مرحوم آیت الله آقا سید محمد، در این اواخر مبتلا لبینه دردی شدید بود که فریاد
او را از حس و بکشت باز داشت و بالاخره بهین کسالت از دنیا رحلت کرد. تاریخ وفات
را جد اتی اینجانب مرحوم آیت الله امیر حاج میرزا سید حسن چهار سوتی (متوفی ۱۳۷۷) که خود
نیز مانند آن مرحوم متولد (۱۳۹۴) و با یکدیگر کمال انس و صداقت را داشته اند، در یکی از
تعارفم آن سال در ۱۸ روز وفات چنین قید کرده اند:
«فوت مرحوم آقای سید محمد نجف آبادی لیله شنبه ۲۵ ذی القعدة ۱۳۵۸»
که این تاریخ مطابق ۱۵ دیماه باستانی ۱۳۱۸ شمس هجری بوده، و با وجودش اید و مضایق زمان
خانه آن مرحوم را متجاوز از ده هزار نفر بر سر دست از خانه تا کف فولاد (مزار عمومی اهوان) شیع
و در چوارمزار صدیق شفیق با اخلاص خود مرحوم سید العارفین در تکیه دی داخل بقعه دفن نمودند
و چند روز مجالس ترحیم منعقد برای آن بزرگوار منعقد گردید. شنیده شد که مرحوم آیت الله امیر حاج
میر سید علی مجتهد کف آبادی اعلیٰ در مقام (متولد حدود ۱۲۷۵ شرفی ۱۳۷۲ خضر ۱۳۶۲) در
شیع خانه آن مرحوم بغایت پریشان دلی اختیار می گزیده است.
لکن در بیت در تاریخ فوت آقا میر سید محمد ببال هجری شمس سروده شده:
گشودی مرغ روحش زین جهان بر غمین شد قلب عالم دیده هائز
سال و ماه فویش هائقی گفت: مدترس رفتی دی نزد سیر
مغایه ناگفته نگذردیم که گرجه گفته اند: لکل زمان دوله و رجال اما دولت
رجال حق تأثیر آن از مرزها گذشت و به ابدت پیوسته است، و آقا سید محمد
نجف آبادی نیز یکی از آنهاست که هنوز هم هر روز نامش در حوزه علمیه اهوان و غیره

در این کتاب از وفات آن بزرگوار در سال ۱۳۷۱

بر سر دباها و آراء و افکارش در السنه و افواه ساری و جاری است. رحمه الله تعالی محمد را

در نگارش این شرح حال علاوه بر اطلاعات و یادداشتها
شخصی از تذکرات خلب آقای اردکانی و صاحب حاج آقای
حسین مدرس کفای و جمعی دیگر از علماء دانشندان
معتمدان از سازه شد و کتبهای بسیار از کتب
و مقامات معنوی هر روز تألیف فرمودم و جمیع کتب را
و در تذکره السیرات آقای حاج سید صالح الدین کهنه‌روی
و خاتمه حاشیه کتابه الاموال نیز راجعه گردیده است
و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین



بنیاد محقق طباطبائی

آمد و مقراض کرد، بعد هم جای آوردند آلبیمو طلبید، در سه قطره آلبیمو روی زمین ریخت
بسیار ناراحت شد، مثل اینکه مای را تفریط کرده باشد، اصرار داشت بجای چند قطره آلبیمو
را بدین و آخر را حلا لیت لفظی طلبید و نکرد. اینها همه حالت واقعی بود و در قصص
شاید اگر اینقدر بار یک بین نبود و عیال پیش یا افتاده اهمیت نمیداد ترقیات بیشتری
داشت و خدمات بزرگتری از او بظهور می پیوست. شرح الوصف مجموعاً مرحوم حاج شیخ مهدی
شخصی بلکه شخصیتی بود که همه طبقات مردم با و احترام زیادی می گذاردند و حالاتش را حقین
مینمودند و منکرند داشت و مدینه العمر یکس از آری رسانید، و اگر چه در مقام ریاست مداری
در بلند پروازی نبود اما خواه ناخواه رئیس بود، رئیس العلماء و مرجع الفضل و مقتدی الامام مطاع کبار را
هر چه کتاب داشت در کتابخانه مدرسه پدرش گذارده بود و طلاب محترمی که سواره
در مدرسه کن بودند از آنها استفاده میکردند، و خود نیز در آن مدرسه درس میگرفت و معاش
طلاب را هم اداره میکرد. آن مرحوم با کم عمر نمودن پسران که بیشتر جوانان و مشاء خود را
روزهای واپسین حفظ کرده بود و پیوسته در دانش اندوزی و تألیف کتب و رسائل مستوعه
و در رس و بحث و اقامه جماعت در مسجد شاه و حتی گاهی منبر و موعظه پس از نماز و انواع
خدمات دینی و اقامه ترویج احکام شرع مطهر و اعزام مبلغین به اطراف بلاد و فراغت
و بطور خلاصه در کلیه اموری که از یک نفر میبختد کامل انتظام داشت کوشا بود و از هیچ کار
مشتی شانه خالی نمیکرد و همیشه احساس مسئولیت مینمود. در زندگی شخصی هم بسیار مقتصد
و به اقل مایحتاج میبخت و مطلقاً طالب لذت و زینت و مال و منال و تجمل و تکلف نبود و این
امور را حقیقتاً منکر و قبیح می دانست. نماز جماعت او در ماه مبارک رمضان هر سال
بی نظیر بود، در روزهای قدر و صفوف جماعت از محوطه بسیار وسیع مسجد شاه در گذشته تا
اواسط میدان شاه کشیده میشد.

از جمله خدمات عظیم آن مرحوم اقدام در ترجمه و طبع نشر توحید مفضل، از زبان آیینی
بود که در حدود بیست سال قبل با صرف مبلغ هنگفتی باین کار توفیق یافت.
مرحوم آقای حاج شیخ مهدی را اینچنان بسیار میدیدم، با جد امجد امجدی خیر مرحوم
آیت الله امام بزرگوار حسن چهارم بوقی الفت کامل و فراورده دائم داشت و بایشان انظار
کمال و ثوق و اطمینان مینمود و همواره در تمام مدینه مشورت میکرد. علاوه بر شرکت
مستمربطیات روزهای بخشه لیت علیه السلام ذکر در بدو تاسیس آن سال ۱۳۶۱
حتی و با حزم و حیاط زیاد خود در بخش مرحوم آقای حاج شیخ ابابیل نجفی عالم کامل

ترجمه احوال عالم جلیل القدر فاضل دار
مرحوم آقا حاج شیخ محمد بن محمد شاهی
رحمة الله تعالی علیه

این بزرگوار از اقارب و ارحام اینجانب است، پدرش مرحوم آقا حاج شیخ محمد علی (اعلی الله مقامه) برادر جدّه امی والدّه ام بود، و خود یکی از قدیمترین رجال است که کتبش رسیده ام، و اگر چه بسیار تمام علم علی او مانند سایرین همیشه برایش احترام خاصی قائل و آخر عمر را نیز بسی توجه و عنایت در حق این ضعیف بود لکن در بیان ترجمه اش باید خاطر نشان سازیم که وی دارای حالات و روحیات خاصی بود و برخلاف مرحوم آقا سید عبدالعزیز ثقفی الاسلام که بخوش مجلسی شیرین سخنی شناخته میشد وی در عموم مجالس و محافل حالتی جدی داشت و اهل مزاج و مطایبه نبود تا چه رسد به در اخف بکلام باطل و بهیوده و اختلاف وقت و یا غیبت و نهمت و تفتیش و تجسس در امور دیگران، اگر چه سایر علماء اعلام و بزرگان که دریافتیم چنانکه از این عیوب مبرا و بجا حسن آداب و کارم اخلاق مقصوف بودند. شنیده شد روزی در جلسه درس مرحوم آقا شیخ خرد رسانی بحث طلب و اراده بجا باریک کشیده که ناگاه مرحوم آقا حاج شیخ مهدی لصدای بلند میگویی مجلس معصیت شد. و بعد از آن برخاسته و خارج میشود. دیگر کسی از فضلا و مکلفین روزی آن مرحوم بخانه ام آمد بدرب اطاف که رسیدنگاهی در آن افکند، چند قفسه کتاب حلیت تو جهش را کرده خوانست داخل نشود و گفت آمدن در این اطاف اشکال دارد، اینهمه کتاب را اینجا جمع کرده اید برای چه منظوری، بر رحمت او را قانع ساختم که باین کتب احتیاج داشته و در طول زمان یکمیک آنها را با مشقت گرد آورده ام و احوال نیز دانستم و جمع میکنم، آخر سر بکرامت ساعتی آمد نشست فاضل موثق دیگری نقل کرد در سال قبل از فوت او مبلغ قابل توجهی پول نقد برای آن مرحوم بردم و گفتم این را شخصی بترغیب برای شما فرستاد است، با اینکه ظاهر احتیاج داشت قبول نکرد پس از مبالغه و اصرار فقط استعفی شد که او محتاج جانی که می شناسد معرفی کند و من خود نقضی پرداخت مبلغ تعیین شده بدانها کردم. و دیگر ده سال قبل اینجانب در سفر حج بازگشته بودم، آن مرحوم مطلع شده و بدید آمد، در نقش کن بیرون اطاف قفسه فرش مستعمل انداخته بودند، بنظرش اسراف

ترجمه احوال عالم فاضل دار
آقا سید عبداللّه مدّتس صادقی ثقفی الاسلام
قدس الله تعالی سرّه

خانمان جلیل میر محمد صادقی از سلاسل سادات معظم و مشهور اصحاب اند که این شهرت آنان بانسب بکلی از اعلام اجدادشان مرحوم میر محمد صادق بن میر محمد باقر است و شجره نسب آنها یکی از معتبرترین شجرات نسب سادات این شهر و مرتب و مضبوط میباشد و خود نسب را سامی فروغ این خانمان جذبار بطبع رسیده، از مختصات آنان عموماً استقامت مزاج و طول عمر و کثرت اولاد و شایسته کار و عفاف است.

راقم این سطور سالیهای تنهائی با جمعی از اجداد و معتمدین علماء و این دوران آشنائی و معارف و رفقه آمد داشته و از فیض دانش و کمال آنان بهره ور بوده ام، از قبیل همین مرحوم آقا سید عبدالعزیز معروف بآقای ثقفی الاسلام و چندین از برادران آن مرحوم. و از احوالات ایشان عالم فاضل و محقق مدتی کامل العلامه آنحضرت آقا حاج سید عبدالعزیز مشهور بآقای لطیف که علاوه بر اشتغال دائمی بدین بحث و وظائف شرعی از قبیل امامت جماعت مرتب و افاضات منبری چندین کتاب مفید و ارزشمند تحریر کرده که اتم از همه تفسیر فارسی «الطیّب البیان» است که تا این تاریخ (اواخر ربیع ماه صفر ۱۳۰۷) بمبت و هفت جز از قرآن کریم را تفسیر کرده و مشغول بقیه است، و فقه الله الاکمال محمد و آله و سلم، و زائد برده مجلّه آن الی الان بمبت بخش این سید و الا مقام بطبع رسیده و منتشر شده است. نیز از آقای لطیف بزرگوار باقر میر محمد صادق مدتی منتهی میشود. و اما صاحب ترجمه بنظر رسد که اشهر و اعظم افراد این دوران من القدم الی الان بوده و از حسن معاشرت و اخلاقی که داشت با عموم علماء و دانشمندان این سامان کمال مصادقت و ملاطفت را بمذول و لذات ترجمه احوال او و لو مجلد در بسا، از کتب این فن داخل گردیده و متعقّب است که در آغاز این شرح حال چند مبنی را که خود آن مرحوم حسب حال خویش سروده و ضمن ترجمه اش در تذکره شمرای معاصر اصفهان چاپ شده نقل کنیم، و این تذکره:

اگر چه پیرشدم تا رسیده ام بمبراد
چون فلک نه زده در دهان زار دیاد
بهر خویش ندیدم خوشی ز در دهان
شبانہ روزی نمی تالم و گسمن فریاد

من از نخست که تاریخ طالعیم دیدم
 تمام صفحہ ملک عراق گریه دیدم
 طبعیب بد و ندیدم ز انس و جان ملک
 بقین خویش شدم من بمیرسم برادر
 ز کربلا و کربش شهر کوفه بغداد
 اگر چه هر که بود مدعی منم استاد
 چو از معاکب نفس خود شد مأیوس
 بد هر بل بل گفتم که هر چه بار آباد

فاضل موفّق محمّد میرزا محمد علی معتمد حبیبی (رحمہ اللہ) که خود یکی از اصداف مرحوم نعت الاسلام بود شرح حال وی را در وقایع سہ ۱۲۸۵ قمری (۱۲۴۷ شمسی) کتاب "مکام الامار" چنین آورده: "تولد آقا سید عبداللہ نعت الاسلام اصفہانی ۱۰ فروردین مرحوم آقا سید محسن میر محمد صادقی است. آقا سید عبداللہ از علما و فقہاء اصفہان در عصر حاضر است و در احوال علماء و مشایخ و رجال و تاریخ در میان علماء این شہر امتیازی بنین دارد و او در یک شبہ از دہم ماہ ربیع الآخر این سال (مطابق ۱۳۰۵ شمسی) متولد شدہ، و در اصفہان در غیبت تحصیل نمود و این از وجوہ علماء اصفہان می باشد و در محکمہ نو سانی و در مسجد جیم خان امامت می نماید و کتب چند تألیف کردہ از آن جمله کتاب "ارشاد المسکین بسوی ارباب المؤمنین" ع "در سلسلہ سادات میر محمد صادقی کہ خودم از آن طاہر است، انجام تألیف آن آری سہ ۱۳۰۵ شمسی ۱۲۴۵ قمری و آن نسخہ را از روی نسخہ خطی مؤلف خود استنسخ نمودم و در این کتاب بسیاری از آن نقل نموده و می نمایم و فوائد چندی مانند مشافہات خود مؤلف از آن در احوال علماء برده ام، لکن بسیاری از اغلاط و اضمحلال واقع شدہ چنان کہ در جاشہ کہ بر آن نوشته ام آنها را توضیح و تصحیح کرده ام و وی را انیک چندین نفر فرزند از زنہای مختلف موجود است کہ برخی تحصیل علم مستغول و بارہ فی ہر ادارات دولتی بکار اند (۱) پایان سخن مقام الامار.

(۱) افسوس کہ جناب آقای نعت الاسلام در صبح روز روشنہ ششم ماہ صفر المظفر ۱۳۸۲ قمری مطابق ۱۸ تیر ماہ باستانی سال ۱۳۰۵ شمسی در اصفہان وفات کرد و ما نزد جہاد و راجلہ خود میل و کمین و حمل بمسجد مرحوم آقا میر سید حسن (جیم خان) نزدند و آقای حاج سید ابوالحسن مشتمل آمارک با جمعی کثیر بر آن نماز خواند و سہ ساعت بعد از ظهر آن را با تشییع علم حرکت دلہ و درخت بولاد در حوالی ملک و رن کردن و روز شنبہ در همان مسجد مجلس فاتحہ ہمہی برایش گرفتند و این فقیر قصد آن عزت و تاسع او گفتم کہ آخر آن این است.

سادس ماہ صفر روز دوشنبہ جاشہ گاہ روح پاکش کرد اندر عالم علوی مکان از وی سالش معمر رفت اندر انجمن تا برسد از رجال علم فان سال آن ناگهان آمد یکی از انجمن بیرون و گفت سید عبداللہ رفت از آن جہان اندر جہان است نویس از وی از دو زن فرزندانی چند از او ماند کہ ارشد آنها جناب آقا سید محمد کاظم از زوجہ نخستین او است کہ از علماء و انبیا کبای بد بزرگوار برقرار است و ما را و وفات کردہ کہ پس از نعتی مرحوم ز وجہ دوم را نیز ذکر نموده ہستند.

سنہ ۱۲۱۶ شمسی الامار کہ بطبع رسیده (ج ۲ ص ۵۸۰) ذکر شدہ، و اساسی ہست نعت فرزند آن مرحوم آقا سید محسن (والد مرحوم نعت الاسلام) بر حسب شجرہ نامہ مطبوعہ خانوادگی آنان بدین شرح است ۱- آقا سید عبداللہ نعت الاسلام ۲- آقا سید علی نقی نعت الاسلام ۳- حاج سید علی اکبر ۴- آقا سید حسن ۵- حاج سید علی محمد مدرس (وکیل) ۶- آقا سید حسین ۷- سید باقر ۸- سید جعفر عموما اہل دانش و ہمیش فضل و کمال و قدس در روح و لہذا رحمہ اللہ معشری نیز. و از غالب سادات بزرگوار و بزرگواران اصفہان اولاد و اعتاب بسیار در اصفہان و شہرہای دیگر موجودند و باین "درس، صادقی، بر محمد صادق و غیرہ" شجرہ دلہذا راجع مرحوم آقا سید عبداللہ نعت الاسلام شایستہ است اضافہ کنیم کہ آن مرحوم از جملہ اعضای محترم ہیت علمیہ اصفہان کہ در سال ۱۳۰۶ تشکیل شد بودند و این ہیت کہ مرکب از بزرگان علماء و زامان بود سالہا در ہفتہ روزیای پنجشنبہ در خانہ اعضاء مستقر و در کلاسہای اول خدمات دینی و اجتماعی مہتمی از آن صورت گرفت مرحوم نعت الاسلام در تمام جلسات شرکت میفرمود و بامسترت خاطر داشت کہ وجہ و علاقمند و افریکار علم و دینی کہ از مختصات آن مرحوم بود دیگران را مستفیض میفرمود و در سجدہ جمعیان نیز کرامات داشت بسیاری از ایام ولیامی مؤمنین را از فراز منبر محظوظ و بہرہ و میباحت و غالب اہل محل شتافانہ گرداگرد منبر اضافہ اش مجتمع میشدند و بطور خلاصہ وجودش امر معروف و نہی منکر و سدی سدید در مقابل اہل فسق و فجور بود. رحمہ اللہ تعالی رحمہ واسعه.

بناظر دارم روزی با آن مرحوم صحبت از درگیر ہای محدث نوری با صاحب ردعات میکرد نعت الاسلام فرمود من خود شخصاً در این بارہ با مرحوم حاجی مذاکرہ نمودم و علت آنکہ حملات شدیدہ را جو یا شدم و تقصیر در این باب نقل فرمود کہ در این وجہ جہای ذکر آن نیست. از طرف امور اینکہ مرحوم نعت الاسلام در "لؤلؤ القدح" مدرس علم کتب اشرف را یک یک بر شمرده لکن اسمی از مدرسہ مرحوم آقا سید محمد کاظم نزد اہل علم و اہل شالی نام در میان نیابورده و لذا مرحوم شیخ محمد رضا ابوالمجد در دانش نسخہ اصل سنی الذکر خط جہد چنین نوشته است: "مدرسہ آقا سید محمد کاظم عدا یا سہو از قلم حضرت مولف ساقط شدہ." و کلمہ عدا اشارہ است بانیکہ چون آن مرحوم در فتنہ مشروطہ در جزو اصحاب خاص آخوند خراسانی و از معاضدین ہم او در آن واقعہ شوم بوده لذا با صاحب "دہ کہ ہمہی روی داخل در آن فتنہ نگردید و ہمہی نگذاشتہ و آثار او را ندیدہ گرفتہ است، و ادب عالم اعادنا اللہ تعالی جسدنا من اللہ و اللہ تعالی بحق منشی و آلہ الطیبین الطاہرین علیہم السلام.

است واقع شد. پس واقعه باز شدن ناگهانی دروازه شهر کف اشرف را بر وی زوار
عرب از طایفه هلیس و مناقشه اموری سنی مذہب را در وقوع این کرامت علوی نقل نموده و گوید
«تا آنکه شبی از شبها جماعتی از اعراب که زیارت آمده بودند ساعت دو و نیم
از شب گذشته رسیدند بدروازه، چون باب را میسرود یافتند با آن شدت تعب
که از راه رسیده بودند بنای ناله و فریاد را گذاردند و ائم خطاب بکفرت امیرالمؤمنین
میکردند که شما فتح باب بجهت اعراب همیس فرمودید با اینکه آنجا در ولایت بودند، ما از راه
رسید، حشمت از بیابان و هوای سردی آیم، این الفاظ را در ائم تکرار میکردند و گریه ناله
مینمودند، یکی از علمای اخبار که خودش در داخل ولایت ایستاده بود و بحال این زوار
دل مبسخت از جهت خود خیر ائم الحوف نقل کرد گفت دیدم خط مستطیل روشنی
از حرم مطهر کشیده شد تا دروازه و از آن بلندی بگوش رسید که ناگهان چنان دولت در
بدن او خورد که زمین و زبان بلرزه آمد و عمارت در شد بر بالای هم رکت و عمارت تختانی
شکست خورد و چنانچه گویا با شمشیر او را قطعه قطعه کرده بودند و آسمان را پشت در تمام بر هم
پیمیده شد، چفت و کیگوند آهنی درو تاشده پس زوار داخل شدند و مردم از خانه با بیرون آمدند
و تماشا می در و خرابی آن میکردند و معاندین و فقه سابق را تصدیق کردند و از سنی و شیعه کسی
منکر او نشد، مؤلف گوید خود خیر آن عمارت خراب و شکستهای دیوار را دیدم تا سالهای سال
همین قسم باقی بود تا آنکه دوازده سال از آن تاریخ گذشت تا مورین دولت عثمانی آنرا خراب کردند و از
در خاتم شریع ۸ حال مرحوم آقا سید عبدالستفان الاسلام بنظر رسید آنچه
را که مرحوم آقا سید علی در وقایع سنه ۱۲۲۸ ق «مکرم الآثار» راجع به مرحوم آقا سید حسین
پدما آن مرحوم نگاشته است نقل کنیم تا زوایای دیگری از احوال صاحب ترجمه و خاندانش
روشن شود، بدین شرح: «وفات مرحوم آقا سید محسن میر محمد صادق ره - و ک
فرزند مرحوم آقا میر محمد باقر (۱۲۱۶) و خود از علماء و فقهاء اصفهان بود و بطوری که در اشعار
المسلمین ص ۵۴ نسخه خطی اینجانب «نوشته در هفت سالگی مشغول تحصیل شده و پس از
دریافت بعضی از علوم در اصفهان روانه عتبات گردید و آنجا چندین سال در خدمت چندین
نفر از علماء از آن جمله شیخ انصاری درس خواند و در سنه ۱۲۸۴ با اصفهان برگشت و به امور
منبر و محراب و تالیف و تدبیر پرداخت چندین کتاب تالیف کرد از آن جمله
شرح مبسوط بر درة بحر العلوم، و آخر در دو شب ششم ماه جمادی الاولی
این سال [۱۳۲۸ ق] مطابق ۲۲ ثور ماه بر جمعی [۱۲۸۹ ش] وفات کرد و در وقت بولاد
در پیش روی قبر عمویش آقا میر محمد حسین (۱۲۸۸) دفن شد و هشت نفر پس از او نهادند
باین موضع حاجت از کارم، توضیحاً میر محمد باقر ۲۹ و مرقم شرح حالش در وقایع

و نیز در کتاب «مقامات معنوی» مرحوم سید محمد حبیب آبادی (زلی وقایع سنه ۱۲۸۵) چنین آمده است
«فقد جناب آقا سید عبدالستفان الاسلام دام ظلله، او است فرزند مرحوم آقا سید محسن
میر محمد باقر بن میر سید علی بن میر محمد باقر بن میر اسمعیل واعظ ابن میر ابوالحسن میر عبدالرزاق بن سید محمد بن
سید ابوالمعالی بن سید شمس الدین محمد بن سید عبدالرضا بن سید ابوالفتح محمد بن سید محمد بن سیدناج الدین
علی بن میر شمس الدین علی بن سید ناصر الدین احمد بن شرف الدین محمد بن شمس الدین ابوالقاسم علی بن محمد
الدین عبدالمطلب بن جلال الدین ابوالنضر ابراهیم بن عمید الدین عبدالمطلب بن شمس الدین علی بن سیدناج الدین
ابوعلی حسن بن شمس الدین ابوالقاسم علی بن عمید الدین ابو جعفر بن ابونزار عدنان بن ابوالنضار
عبدالله بن ابوعلی عمر المختار بن ابوالعلا مسلم الاحول بن ابوعلی محمد امیر الحاج بن امیر ابوالحسن محمد
الاشتر بن عبیدالله الثالث بن ابوالحسن علی بن ابوعلی عبیدالله الثالث بن ابوالحسن علی زوج الصالح
ابن ابوعلی عبیدالله الاعرج بن ابوعبدالله حسین الاصفهانی عیسی»

حضرت حسین الاصفهانی نامش در مقام اول (۱۳۴۴ ش) برده شد.
سیاری دیگر از سادات این سلسله هم از معارفین عصر خود بوده اند از آن جمله حضرت عبید
الاعرج سر سلسله بزرگی از سادات شده که آنها را اعرافی خوانند و جماعتی از این خانواده در عرب
و حرم و غیره موجود اند، و مسلم الاحول امیر حاج و مردی شجاع بوده که از غایت شجاعت او را کاش
بنی عبیدالله می گفتند و در سنه ۱۲۸۹ کشته شده. و فرزندش عمر المختار امیر حاج و سید
نجف بوده و از غایت جلالتی که داشته اولادش با بدو نسبت داده آنها را مختاری می گفتند.
و سلسله فی از سادات اعرافی در اینجا جدا شده و جماعتی از علماء از آنها به سریده اند، و شمس
الدین علی در سنه ۹۵۴ وفات کرده و میر محمد باقر از اعیان علماء است، و یکی از فرزندان مرحوم میر
محمد صادق از اجهتی که داشته فرزند آن او برادرانش را بدو نسبت داده همه را سادات صریح
صادق گویند، و اینجاست سلسله فی از سادات مختاری جدا شده اند، و فرزند دیگر میر محمد باقر
رحم میر سید علی ام از علماء بوده، و فرزندش میر محمد باقر در سنه ۱۲۱۶ متولد و در حدود (۱۲۸۰) وفات
کرد و در کف دفن است، و فرزندش مرحوم آقا سید محسن از علماء اصفهان بوده، وفاتش
دوشنبه ۱۷ سنه ۱۳۲۸ ق بر شش در کف بولاد نزدیکی فاضل هندک.
و فرزندش جناب آقا سید عبدالستفان الاسلام صاحب این عنوان (سلسله
نقابی من ائمة الزمان) از سادات علماء اصفهان و شاه سادات این خاندان است
و در فقه و اصول و سایر علوم شریعیه و فقهات آنها محارقی کامل و در سیر و تاریخ و احوال
(۱) معارفین بن مرزبان عرب بدو نش و صواب معارف است ۴۰

و اخبار علما و خصوصاً احوال بزرگان قدام و متاخرین سلسله خود متبعی و وفاداری
 بهم رسانید. در دوازدهم ماه ربیع الآخر این سال (مطابق ۹ هجری قمری) در زمان
 ناصر الدین شاه سولد شده و در هفت سالگی بکتاب رفت و بعد از تکمیل فارسی شروع بقصدت
 عربی نمود، و از اساتید خود صرف و منطق و معانی و بیان و حکمت آموخت و در اصفهان بود و
 خدمت و بقدر امکان از آنجا اخذ فرمود. پس در نزد علما و اصفهان مشغول فقه و اصول
 گردید، و در هر یک سالگی عایشه عتبات عالیات و بافقان و سایر اسرار و معانی این
 ۱۳۰۰ با جمعی از اقارب و اقوام حرکت بدان زمین برین کرد، و باشد اید بسیار در راه چشما نیز
 رسید و بعد از فراغ از زیارت بکر بلا و از آنجا بکتاب رفت و چند روزی سیر در کتب
 نموده و آخر مرحوم میرزا محمد علی رشتی را که عالمی نامور و متراض بود اختیار فرمود و چندی از
 خدماتش استفاده کرد، و بعد معتدل نزد ملا احمد شیرازی را که خواند پس بسامو آمد
 و مدتی خدمت مرحوم میرزا شیرازی را که بزرگ و بزرگوار، لیکن در آن زمان شدت ریاست و
 مرجعیت میرزا مانع از استفاده عموم بود، اللهم آقا سید عبدالله در خدمت چند نفر از مقررین
 مطالب عالمیه آن مرحوم مثل آقا سید محمد بشار کی و آقای صدر و حاج میرزا محمد تقی
 شیرازی شایا گردی کرد، و مدتی هم در کتب در نزد مرحوم میرزا شیرازی رشتی و مرحوم آقا سید محمد
 کاظم زیدی تحصیل نمود، و در اواخر فیض مدرس مبارک مرحوم آخوند خراسانی را فوزی
 عظیم غنیمتی جیم داشت از خواص حوزه درس آن بزرگوار شد، و تا وفات او در آن راهی
 مقدسه بسر برد و ضمن کتابت چندی هم تالیف فرمود، و پس از وفات آن رئیس اعظم و بر شایسته
 احوال اهل علم و همچنین فوت غیال خود و انقلاب اوضاع امورش در آن سرزمین مختل و گرفتار
 می چندی برایش رخ داد، لاجرم در سنه ۱۳۳۰ از عتبات حرکت و باصفهان آمد و در آنجا
 بتدریس و تالیف و در مسجد جم خاں در مسجد نبامت اشتغال مدتی و تاکنون سفری کشیده
 رفته و این قیام و این حضور ایشان نصیب افتاده و در بین ایشان کمال حاصل شده
 و کتب مؤلفه ایشان را این قرار است اول تقریرات اصولیه اساتید بزرگوار خود که در تمام
 دویم حاشیه بر خط است دوم حاج شیخ مرتضی تا آخر غسل اموات سیم رساله فی رد عداوت چهارم
 رساله فی رد قاعده « من ملان شیئا ملک الاقر کره » پنجم رساله فی رد تقلید علم ششم
 رساله فی رد لباس مشکوک هفتم کتاب خلاصه الاصول که در دوره تمام انجام تالیف آن لازم
 سه شنبه در سیم ۱۳۰۷ هجری در قاعده میسر و بهر کتاب مقتصر بقال
 در علم رجال، و هم کتاب انیس العارفین در احوال نزع و عالم بفرخ، و یازدهم کتاب مشکوک
 که مکل مشکوک و در مطالب شغرفه و نام تمام است، دوازدهم رساله فی نظر زراست شیخ اسماعیل



بنیاد محقق طباطبائی

مقری که متن متعارفی آن در وضو و از کلمات او اعلی و اواسط و اواخر سطور آن لغزیم و غیر از
 تالیف کتاب برمی آید. یازدهم کتاب مبکلی المؤمنین در اندراس فراهب و دین، چهاردهم کتاب
 لؤلؤ الصدق در تاریخ کتب انجام تالیف آن روز ۵ شنبه ۱۳۲۲ هجری قمری کتاب
 نور الایمان در اغاصه بحر عرفان یعنی رد کتاب بحر العرفان که در اثبات حقیقت بهائیه است
 شانزدهم رساله فی در اموال دین بطرز جدید برای مدارس جدید، هجدهم رساله فی حکمت چندی
 بیستم مقالات سیاسی چندی در رد متجددین، نوزدهم فخرست انقال بولایت از شیخ
 خود نامت (ع) بطرز و اسلوب عجیب، بیستم کتابی در حدود شریعه بر سبک جدید بطور
 ماده چندم و فلان، بیست و یکم کتاب ارشاد المسلمین بسوی اولاد امیر المؤمنین (ع) در احوال ابا
 و اجداد و بسیاری از علما و متاخرین سلسله خود که ما از آن رساله صادر احوال خود را استفاده
 نمودیم، و لی افسوس بسیاری از اغلاط و اشتباهات و اضحی در آن واقع شده، انجام تالیفش
 آدینه ۱۳۱۴ هجری قمری ۱۳۴۵ هجری قمری انتهی المقصود من کلام الفاضل المعلم فی مقامات
 مرحوم آقا سید عبدالله پس از فوت مرحوم آقا سید محمد مهدی موسوی در جمعی بجهت تخریر
 ۱۳۶۳ شروع بتدریس خارج فقه و اصول کرد و در مسجد نو بازار و جمعی از فضلا شرکت نمودند و با
 حدود ۱۳۸۱ مشغول بود. آن مرحوم با جداتی اینجانب مرحوم آقا میرزا حسین چهارم
 (۱۲۹۴-۱۳۷۷) بسیار مأنوس بود و پیوسته رفت و آمد میکرد و غالباً اینجانب نیز در خدمت
 بودم و از جلسات آن بهره بسیار بردم و فوائد عذیده تاریخی و علمی ضبط نمودم و هم از بزرگوار
 با جاز بسطه مجاز شدم که آنکس بخط مبارکشان موجود است. در حیات او که در شهر
 از مرحوم آقا سید عبدالله هفت نفر فرزند پسری و یک دختر پدید آمده که هر در حیات او که در شهر
 آنان جناب آقا سید کاظم اهر علم و فضل و تقوی و امام جماعت در مسجد رحیمان و غیره می باشد و یکی
 از عموزاده های ما و امام معظم له و در فرزند آن مرحوم فقه الاسلام نیز امام افسوسین ما هستند.
 سایر فرزندان آن مرحوم (غیر از لاسید کاظم) هیچیک معتم نیستند و اسما آنان در شجره نامه خانوادگی
 خردشان که بطبع رسیده مندرج است. از تالیفات مرحوم آقا سید عبدالله «لؤلؤ الصدق» در تاریخ کتب نبال ۱۳۷۹ و کتاب
 «انیس العارفین» نبال ۱۳۸۰ هجری قمری در زیاده بر (۱۵۰ صفحه) رقی در اصفهان چاپ شده
 و از اتفاقات حسنیه اینکه نسخه اصل «لؤلؤ الصدق» در خط مؤلف با تعلیقاتی بخط مرحوم لا
 شیخ محمد رضا ابوالمجد نجفی مسجد شاهی چند سال قبل این جبهه نزد کاتب فرشی در قم یافت و فرستاد
 و آنکه دست العالمین. در اینجا مناسب دیدیم شرحی را که آن مرحوم درباره کلمات غریبه علمیه
 در «لؤلؤ الصدق» ص ۸۸ بقصد نسخی جایی «نوشته نیمه تاو تبرکات در این جزیره نقل کنیم، گویند
 «در نسخه نهال بولایت و نود و نه وقعه فتح باب کتب که از قصه ای قطعه در این اعضا